



بیانات مهم مقام معظم رهبری در اجتماع نیروهای شرکت کننده در مانور عظیم طریق القدس - 3 / اردیبهشت / 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. و الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و علي آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين. سيما بقيه الله في الارضين

خدا را با همه وجود سپاسگزاريم که ايران اسلامي را يك بار ديگر، مشهد و منظر عظيم ايمان جوشان و انگيزه هاي بي پايان نيروهاي مؤمن و مخلص انقلاب قرار داد. هر يك از اين مانورهاي بزرگ - که بهترين و عزيزترين فرزندان اين ملت و اين کشور در آن اجتماع مي کنند - در حقيقت يك صحنه پرشکوه و يك نمونه فراموش نشدني از حقيقت عظيمي است که امروز در اين کشور و در اين سرزمين الهي و در اين مقطع حساس تاريخ حضور دارد و اين عزيزان آن را در مقابل چشم جهانيان و کساني که مايلند ببينند و حقايق را بفهمند، قرار مي دهند.

آن اجتماعي که دست خدا با آن است، همين اجتماع است. اجتماع دلهاي مؤمن، اجتماع جانهاي پاک و روحهاي نوراني و با صفا، اجتماع جوانان پاکيزه اين ملت که در عصر حاکميت ماديگري بر زندگي قشرهاي جوان در سرتاسر عالم، توانسته اند خود را از تصرف ماديگري نجات دهند و شعله معنويت را - که خدا در همه دلها و جانها برافروخته است - در دل و جان خودشان، برافروخته و مشتعل نگهدارند.

در دوراني که توطئه هاي صهيونيستي بلند مدت، تصميم گرفته بودند نسل جوان کشورها را به مسائل حقير و به شهوات و آلودگيها دچار کنند و سرگرم نگهدارند و متأسفانه در بسياري از کشورها موفق هم شده اند، جوانان اين ملت، اين فرزندان مؤمن مخلص با صفا، اين کساني که استعدادهاي گوناگون بشري در آنها به صورت جوشاني هم وجود دارد و اين را در همه جا ثابت کرده اند و نشان داده اند، توانسته اند خود را از اين توطئه بزرگ صهيونيستي تاريخ معاصر و پيش از دوران معاصر ما حفظ کنند و نگهدارند. اين، يك پديده بسيار شگفت آور و پرشکوه و افتخارآمیز است.

اجتماع چنين جوانان و چنين دلهايي، همان اجتماعي است که در آن نور الهي به چشم اهل بصيرت مي آيد. در چنين مجموعه هاي عظيم است که انسان خدا را مي بيند، قدرت خدا را حس مي کند و اراده لايزال الهي را بر اصلاح بشريت و اصلاح تاريخ، با همه وجود در مي يابد. در چنين موقعيتي، دل هر انسان ديرباوري از اميد سرشار مي شود. مانور بزرگ طريق القدس ما، ناظر به اين معاني است. مانورهاي جوانان و رزمندگان ما در سرتاسر کشور، - هر جايي که تشکيل مي شود - داراي اين مضمون و چنين مفهوم برجسته اي است.

ملت ايران در دوران هجده ساله انقلاب، يك مانور بزرگ سياسي و نظامي و انساني را به طور مستمر در مقابل چشم بشريت قرار داده است. همه اين مانورهايي که در طول جنگ، خود را به صورت واقعي در جبهه هاي نبرد نشان مي داد و امروز به صورت تمرينها و ايجاد آمادگيهايي در اين جا و آن جا به وجود مي آيد، جزئي از آن مانور عظيم ملت ايران است. اين، يعني نمايش قدرت ملتي که تصميم گرفته است از نيروهاي خداداده خود، براي بناي زندگي شرافتمندانه اش بهره گيرد و استفاده کند. اين، يعني يك ملت، با غيرت ملي خود و با احساس شرفي که در وجود و تاريخ و عقايد او نهفته است و مي خواهد بگويد: دست دشمنان کوتاه، دست متجاوزان کوتاه، مستکبران عالم و قدرتهاي پرتوقع و ضد فضائل و ارزشهاي انساني به کناري بروند.

اين ملت، ملتي نيست که با تهديد و ارباب و حضور تهديدآمیز قدرتهاي مادي - که عادت کرده اند حرف خود را عليه ملتها و جوامع به کرسی بنشانند - پا عقب بگذارد، قدرت خود را فراموش کند و به ضعف تلقيني دشمن گوش



دهد. این ملت می‌داند که قوی است و فهمیده که دارای اقتدار است. معنای این مانورها و این اجتماعات مبارک و منور این است. مانور ما، تهدید هیچ همسایه و هیچ ملت و دولتی نیست. علی‌رغم تبلیغات امریکایی و صهیونیستی و بوقهایی که در طول این هجده سال، همواره خواسته‌اند ایران اسلامی را تهدیدی علیه کشورهای خلیج فارس نشان دهند، ملت ایران علیه کشورهای خلیج فارس و ملتهای همسایه و هیچ کشور دیگری که متعرض به آن نباشد، تهدیدی به وجود نمی‌آورد.

ما کسی را تهدید نمی‌کنیم؛ اما در مقابل آن قدرتهایی که عادت کرده‌اند همه ملتهایی را که حاضر نیستند در مقابل آنها زانو بزنند، تهدید کنند و به آنان زور بگویند، این ملت با قدرت و توانایی خود و با تکیه به خدا و دستورات قرآن مقدس که به او گفته است به خدا تکیه کن و از کسی نترس، تصمیم دارد که بایستد، تهدید نشود و تهدید آنها را جدی نگیرد و از مواضع بحق و از راه و مدعای حق طلبانه خود، حتی یک قدم عقب ننشیند. مضمون حقیقی این مانورها، این است.

ما کسی را تهدید نمی‌کنیم. اگر کسانی، دولتهایی، سیاستمدارانی، مطبوعاتچیهای دوست دارند که برای سرگرمی خودشان، یا برای سرگرمی مردمشان، وانمود کنند که ایران اسلامی به عنوان یک همسایه، آنها را تهدید می‌کند، این بسته به میل خود آنهاست. نیروی ما در خلیج فارس و در محدوده کشور، برای دفاع از مرزهای این میهن پرافتخار اسلامی، برای دفاع از استقلال این ملت و برای ایستادگی در مقابل قدرتهای زورگوست. متأسفانه امروز دنیا غالباً به اردوگاه استکبار و زورگویی از یک طرف، و اردوگاه کسانی که حاضر شده‌اند زورگویی زورگویان را بشنوند از طرف دیگر، تقسیم شده است. می‌بینید که دستگاه استکباری، با تشبث به همه امکانات، درصدد است که قدرت ظالمانه و غاصبانه خود را در هر نقطه‌ای از نقاط عالم که بتواند، گسترش دهد. امروز دولت امریکا به این قانع نیست که بر کشور و منافع خود تسلط داشته باشد و خود را به عنوان یک کشور و یک ملت، طبق میل و اراده خود اداره کند. آنها می‌خواهند در هر نقطه‌ای از عالم که موقعیت جغرافیایی حساسی وجود دارد، حضور داشته باشند؛ هر جا آبراه مهمی وجود دارد، بر آن مسلط باشند؛ هر جا منابع حیاتی زیرزمینی‌ای وجود دارد، زیر کلید آنها باشد؛ هر جا پول و قدرت و امکانی هست، آنها بتوانند بر آن تسلط داشته باشند و هر جا مجموعه‌ای از انسانها زندگی می‌کنند، تا آن جا که می‌توانند، اراده خودشان را بر آن مجموعه انسانی تحمیل کنند. استکبار، یعنی این.

ما با این کارها، مخالف و مقابل و ضدیم. ما نمی‌توانیم این را قبول و تحمل کنیم. هیچ ملتی هم این را نمی‌خواهد. هیچ ملت و هیچ مجموعه انسانی‌ای، نمی‌خواهد که زیر فرمان دیگران باشد. منتها خیلی از مجموعه‌های انسانی، متأسفانه یا قدرت خود را کشف نکرده‌اند و خیال می‌کنند که نمی‌توانند، یا شاید هم واقعاً نمی‌توانند. ملت ایران هم متأسفانه در سالهای متمادی دوران حاکمیت طاغوتها و زمان حاکمیت حکومت فاسد پهلوی و قبل از آن، حکومت فاسد قاجارها، همین وضعیت را داشت. این ملت بزرگ، این فرهنگ عمیق، این تواناییهای عجیب و این استعداد کم نظیر و درخشان، این گونه مورد سوءاستفاده دشمنان قرار می‌گرفت. معلوم است که دشمن با یک ملت چه می‌کند.

عزیزان من! این ملت، از لحاظ علم و فرهنگ و پیشرفتهای فکری و علمی و اجتماعی، عقب مانده و عقب افتاده نبود. این را همین قدرتهای تجاوزگر در طول زمانهای گوناگون، به کمک حکام فاسد بر او تحمیل کردند و ملت ایران را به زور و ظلم، از قافله تمدن و دانش بشری و پیشرفتهای علمی، عقب نگذاشتند. اسلام آمد، این ملت را زنده کرد و او را با تواناییهای خودش آشنا نمود. خدای متعال، معلمی برای این ملت فرستاد که با زبان پیامبران با او حرف زد، او را بیدار کرد و به حق خود و قدرتش آشنا نمود. به او فهماند که اگر یک ملت بخواهد اراده کند، چه معجزه‌های بزرگی از او و به دست او سر می‌زند. این ملت بیدار شد. هجده سال است که این ملت با بهره‌گیری از این درسهای



آسمانی و الهی توانسته است یکی پس از دیگری، این بندهای جادویی را که دشمنان در دست و پا و برگردن او بسته بودند، باز کند. از لحاظ علمی و سازندگی کشور، به حرکت افتاد و از لحاظ اخلاقی و ارزشهای دینی، راه زیادی را پیمود.

امروز این ملت، ملتی است که در مقابل هیچ قدرتی در دنیا مرعوب نیست. این، چیز کمی نیست. این ملت، احساس قدرت می کند. روزی در این دنیا، دو ابرقدرت دست به دست هم دادند و با این که در همه مسائل، یا بسیاری از مسائل ضد هم بودند، در این مسأله یکی شدند تا این ملت را از راه اسلام برگردانند و او را پشیمان کنند و در راه بر همان پاشنه قبلی بچرخانند؛ اما نتوانستند. والله هیچ قدرتی امروز در دنیا نمی تواند ملت ایران را از راه پرافتخار اسلام و قرآن برگرداند. کسانی که غیر از این گمان می کنند، چه فکر می کنند؟

آنهایی که عادت کرده اند به هر مناسبتی یا بی مناسبت، زبان انتقاد بر روی ملت ایران باز کنند، یاوه بگویند و یاوه بنویسند، دچار تحلیل و فهم غلط از مسائل این کشورند؛ چون این ملت و زبان این ملت را نمی فهمند. من این سخن را به همه کسانی که در سطح دولتهای عالم، درباره ملت ایران و کشور ایران می اندیشند و تصمیم می گیرند، می گویم که سعی کنند این ملت را درست بشناسند. تحلیلهای غلط، راه حلهای غلط در مقابل انسانها می گذارد. وقتی که این ملت را بد می فهمند، آن وقت بد هم تصمیم می گیرند. مثل امریکاییها که هیچ وقت سعی نکردند این ملت را آن چنان که هست، بشناسند و زبانش را بفهمند. فرهنگ آنها با همان چارچوبهای قالبی، با همان واژه هایی که برای خود آنها معتبر است، ممکن است برای اکثر ملتهای عالم معتبر نباشد. هر ملتی، فرهنگی دارد. برای یک ملت، چه اجباری است که فرهنگ و ایمان و فهم خود را از مسائل رها کند و تسلیم فرهنگ و فهم کس دیگری از مسائل شود؟ چرا بعضی این قدر پرتوقع، خشک مغز و دچار تفکرهای قالبی هستند؟! هر کس که امروز درباره ملت ایران، این طور حرف بزند و قضاوت کند، دچار اشتباه خواهد شد. خط مشی ملت ایران، یک خط مشی روشن در مسائل جهانی است.

ملت ایران به خاطر این که گذشته خود را با بصیرت نگاه می کند، چشم خود را بر گذشته نمی بندد. مسائل تاریخ خود، تاریخ نزدیک خود، از صد سال پیش، از پنجاه سال پیش، از سی سال پیش را با دقت نگاه می کند. ملت ایران به این نتیجه رسیده است که رژیم استکبار - و در وضع فعلی، رژیم ایالات متحده امریکا - در طول شاید قریب سی و پنج سال که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر این کشور تسلط سیاسی داشته، به او خیلی بدی کرده است. ملت ایران، این را فهمیده و دانسته و دیده است. دست اینها به خون مردم آغشته است. به این ملت اهانت کردند، ثروتهای او را بردند و از رژیم فاسد ضد بشری - مثل رژیم محمد رضا - حمایت کردند.

بعد از آن مدت سی و پنج سال، از اول پیروزی انقلاب تا امروز هم، امریکاییها هر چه توانسته اند با این کشور و با این ملت دشمنی کرده اند. ملت ایران، با مشاهده این وضعیت، حاضر نیست به این آسانبها گناه امریکاییها را ببخشد؛ تمام شد و رفت. ملت ایران حاضر نیست که از گناه رژیم ایالات متحده امریکا صرف نظر کند. آن کسانی که در سطح عالم، خودشان را به امریکا وصل می کنند؛ خودشان را در جبهه امریکا قرار می دهند، به همان اندازه که خود را به امریکا وصل کنند، از نظر ملت ایران، در جرائم دولت امریکا شریکند.

امریکاییها سعی کرده اند این طور وانمود کنند و جا بیندازند که غرب، یعنی امریکا و اصلاً بلوک غرب، بدون امریکا معنا نمی دهد. البته واقعیت این نیست. من در چند سال قبل از این - در زمان حیات مبارک امام رضوان الله تعالی علیه - به یکی از این سیاستمداران اروپایی گفتم: ما هیچ وقت حاضر نیستیم استقلال خودمان را در زمینه های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، به هیچ چیزی بفروشیم و معامله کنیم؛ اما غرب به عنوان یک طرف برای جمهوری اسلامی مطرح است؛ مشروط بر این که غرب به معنای امریکا نباشد. ملت ایران از امریکا نمی گذرد و با او کنار نمی آید. به او گفتم: امریکا سعی می کند این طور وانمود کند که غرب مساوی با امریکاست. ما می گوئیم که این طور



نیست؛ اما اگر کشورهای اروپایی می‌خواهند تصدیق کنند که غرب منهای امریکا معنا ندارد، ملت ایران هیچ اهمیتی نمی‌دهد که غرب را به عنوان یک طرف تجاری و سیاسی و معاملی خودش نداشته باشد. این طور نیست که خیال کنید ملت ایران، به ارتباط با یک کشور، یا با مجموعه‌ای از کشورها نیاز دارد. البته همه کشورها در دنیا، به نحوی از ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. به یک معنا، همه به نحوی به هم احتیاج دارند - این محل بحث ما نیست - اما این که کسی خیال کند ملت ایران یا دولت جمهوری اسلامی ایران، ناچار است با فلان مجموعه از کشورها ارتباط داشته باشد، این خطای فاحش و غلط بزرگی است. امروز هم ما همین حرف را تکرار می‌کنیم. ما دنیا را به یک چشم نگاه نمی‌کنیم. ما کشورهای گوناگون را به یک چشم نگاه نمی‌کنیم. آن دولتهایی که به ملت ایران بدی کرده‌اند، با آن دولتهایی که به عنوان یک طرف سالم در زمینه‌های گوناگون مطرح شده‌اند، یکسان نیستند.

دنیایی که با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی و با آیات نورانی خدای متعال، برای بشر آراسته و منور شده است، دنیای شایسته انسان است. دنیایی که در آن، هم آبادی و رفاه و پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی هست و هم اقتدار سیاسی و تعالی معنوی وجود دارد. دنیایی که در آن، انسانها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان می‌کنند و انسانیت در آن شکوفاست؛ چیزی که در دنیای ساخته تمدن مادی وجود ندارد؛ چون در دنیای مادیگری، انسانها مثل گرگها باید از هم بترسند. ملت ایران مصمم است که چنین دنیایی را هم از جنبه مادی و هم از جنبه معنوی، برای خود به وجود آورد و بسازد. این، یک مبارزه طولانی و بلند مدت است. آنهایی که می‌کوشند این طور وانمود کنند که ملت یا دولت جمهوری اسلامی ایران، در پی آن است که به آن کشور، به آن دولت، به آن مرز جغرافیایی تجاوز کند، اشتباه نکنند. ملت و دولت جمهوری اسلامی ایران، برای بنای این کشور و پیشرفت این جامعه، هزاران کار بزرگ و درخشان پیش پای خود دارند که آنها را از پرداختن به چنین کارهایی باز می‌دارد. امروز بحمدالله کاروان علم و تمدن اسلامی - تمدنی که می‌تواند به دنیا خدمت کند - در این کشور به راه افتاده است.

جوانان عزیز من؛ بسیجیان عزیز، جوانان مؤمن، دل‌های نورانی‌ای که آیات خدا را شنیدید، پذیرفتید، فهمیدید و به کار بستید! آینده متعلق به شماست. میدان در مقابل شما باز است؛ پس خودتان را در همه جبهه‌ها و عرصه‌های گوناگون آماده کنید. البته همه بدانند که این راه، راهی است که اگر یک ملت مثل شما، آن را با موفقیت ببیند و به فضل پروردگار به نتایج آن برسد، ملتهای دیگر از آن درس می‌گیرند و راه را پیدا می‌کنند. این، همان چیزی است که استکبار را وادار می‌کند که با همه وجود بخواهد علیه ملت ایران وارد اقدامهای خشن و خصمانه شود. باید برای مقابله با دشمنی که در مقابل ملت ایران - اگر بتواند - مهیای هر گونه اقدام خشنی است، آماده بود.

دولتهای مستکبر، چه در گذشته و چه در حال، تا هر جا که توانستند و بتوانند، همیشه خودشان را به ابزارهای تسلیحاتی مجهز می‌کنند. آن جایی که لازم باشد، حرفی ندارند که دوستانشان هم تسلیحات جنایت آمیز را برای خودشان به وجود آورند! این، چیزی است که در دنیا مشهود است. همینهایی که امروز در کشور آلمان، جمهوری اسلامی را به بی‌اعتنایی به جان انسانها متهم می‌کنند و این اتهام بسیار ظالمانه و مغرضانه و غیر منصفانه را به ایران می‌زنند، همان کسانی هستند که اگر نگوییم خودشان، اما حداقل این است که بگوییم جلو چشمشان، شرکتهای آلمانی، رژیم بعثی را با خطرناکترین و جنایت‌بارترین سلاحهای شیمیایی مجهز کردند.

جنگ، اتفاق خشن و نامطلوبی است؛ اما بالاخره قاعده و قانونی باید داشته باشد. در جنگ هم جوانمردی و ناجوانمردی داریم. رژیم متجاوز بعثی، ناجوانمردانه‌ترین روشها را علیه ملت ایران و جوانان ما به کار برد. شهر تهران و دهها شهر را بارها و بارها، برای مدتهای طولانی با موشکهای دوربرد کوبیدند. در جبهه‌ها، سلاحهای شیمیایی به کار بردند؛ نه یک بار، نه دوبار، نه مدت یک ماه، دو ماه؛ سالهای متمادی، شاید پنج سال، شش سال، در این جبهه



هاي ايران و عراق، سلاح شيميايي به وسيله رژيم بعثي به كار رفت. اين سلاحها را چه كسي به آنها داده بود؟ غير از كشورهايي كه دم از حقوق بشر مي زنند؟! اين سلاحها را غير از آنها كس ديگري در اختيار رژيم بعثي گذاشته بود؟ امروز خيلي چيزها آشكار شده است. خدای متعال، پشت گردن خود غربيهها - همانهايي كه بعضي با ملت ايران و با جمهوري اسلامي، بسيار هم بدند و دشمنند - زد، تا به دلایلي وادار شوند اعتراف كنند و بنويسند. خودشان در كتابها و مقالاتشان نوشتند: شرکتهای آلمانی - كه يقيناً بسياري از اينها را بدون اجازه دولت آلمان نمي فروختند - اين سلاحهاي شيميايي و اين مواد مرگبار را به عراقيهها فروخته اند! براي چه فروختند؟ آيا نمي دانستند كه بناست اينها در ميدان جنگ به كار برود؟ گاز خردل را كجا به كار مي برند؟ كسي كه سلاحهاي مرگبار شيميايي را مي خرد، كجا مي خواهد به كار ببرد؟ آيا مي خواهد ببرد در خانه خودش استنشاق كند؟! معلوم است كه مي خواهد ببرد در ميدان جنگ مصرف كند.

همينهايي كه دولت جمهوري اسلامي را به بي مبالاتي نسبت به جان انسانها متهم مي كنند، از خدایي كه به او اعتقاد ندارند، خجالت نكشيدند و نترسيدند؛ از وجدان بشري ملاحظه نكردند و اينها را به ميزان زيادي به رژيم بعثي فروختند. او هم آن سلاحهاي مرگبار را در جلو چشم آنها، در مرزها و در ميدانهاي جنگ به كار برد. بعد ما بسياري از مجروحان شيميايي را براي معالجه به همين آلماني فرستاديم كه سلاح شيميايي از زير دستش خارج شده بود! اينها وجدان دارند؟! اينها براي ارزشهاي انساني و جان انسانها احترام قائلند؟ آيا شرم نمي كنند كه ادعاهاي واهي را مطرح مي كنند؟!

عزيزان من! اين دشمنيهها با نظام جمهوري اسلامي - اين بي انصافيهها، اين غرض ورزيها - همه به خاطر اين است كه ملت ايران، راه استقلال در سايه حاكميت قانون الهي را برگزيده است و حاضر نيست كه در مقابل آنها به زانو درآيد و اظهار ضعف كند. در مقابل چنين دشمنيههاي بايد مجهز و آماده بود. شما اين آمادگي را به اين ترتيب به وجود آورديد. من از همه نيروهاي مسلح سرافرازمان در سرتاسر كشور - از سپاه پاسداران انقلاب اسلامي، از ارتش جمهوري اسلامي و از نيروي انتظامي - به خاطر آمادگيهایشان تشكر مي كنم. امروز نيروهاي مسلح جمهوري اسلامي، به معنای حقيقي كلمه، در خدمت حق و حقيقت و ارزشهاي اسلامي اند. سپاس و ستايش و تمجيد و تحسين فراوان خود را بر جوانان بسيجي مؤمن در سرتاسر كشور؛ اين دلهاي پاك، اين دلهاي تپنده با عشق به خدا، با ايمان به حقيقت، با اخلاص و باصفا، نثار مي كنم. اين اخلاص و صفا را در خودتان حفظ كنيد.

بحمدالله اين ميدان با نظم و ترتيبی كه امروز مشاهده كرديم، مايه خرسندي و افتخار است؛ نظم و ترتيبی كه حاكي از رشد فكري و آمادگيهاي كامل در زمينه هاي مربوط به اين چيزهاست. ان شاءالله فردا هم مانورهاي زميني اين نيروهاي مؤمن، هم در اين جا و هم در ساير مناطقي كه برادران عزيز مسؤول در سپاه پاسداران انقلاب اسلامي ذكر كردند و برنامه ريزي نمودند، اجرا خواهد شد. من از همه شما و از آن برادران عزيزي كه در اين ميدان نيستند - در دايره وسيعي هستند كه مانور بزرگ طريق القدس، آن را شامل است - سپاسگزارم و براي همه شما دعا مي كنم. از خداوند متعال، با تضرع و با خضوع درخواست مي كنم كه فضل و رحمت و لطف و هدايت و توفيق و كمك خود را بر همه شما نازل فرمايد.

پروردگارا! تو را به قرآن، تو را به آيه هاي نوراني نازل شده بر قلب مبارك پيامبر اسلام، ما را در راه قرآن و در راه اسلام زنده بدار و در همان راه بميران. پروردگارا! مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار نده. پروردگارا! قلب مقدس ولي عصر را از ما راضي كن. پروردگارا! ما را از سربازان آن بزرگوار قرار ده. پروردگارا! روح مطهر شهيدان و روح متعالي و مقدس امام بزرگوار را از ما راضي و خشنود كن.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته